حالا همه چیزتان مشخص شده است
اوضـــاع تـــوی طـــویـــلهٔ اســـرائیـــل

کفتـار دوباره سهم کرکس شده است
بدجور «مثلث تو مثلث» شده است

امین شفیعی - شاعر

پیوست صلوات

فرشته پناهی
شاعر

ماه رمضان ماه جمیع برکات است
از چربی انباشته اسباب نجات است

تلفیق ربیعین و دو تا خانه تکانی
الحق که بسی مایهٔ تجدید حیات است

در موسم نوروز سر خوان خداییم
با لطف خدا موعد تحصیل برات است

فامیل! رفیقان! بیایید غمی نیست
مهمانی این عید بدون تبعات است

صد شکر پذیرایی در ماه خداوند
باشاخه گل ذکر و دعا و صلوات است

هشدار! اگر تا دم افطار بمانید
افطاریِ ساده، رطب و نان بیات است

آجیل و گز و پسته و باقی مسائل
کلاً همه‌اش حل شده در چای نبات است

با خط خوشی نصب کنم سر در منزل:
«بار سبک آمادهٔ رفتن ز صراط است

از خوردن بسیار بپرهیز چراکه
هر لقمهٔ تو بار ستون فقرات است»

سیبیل خشک

صامره حبیبی
شاعر

آمد بهار از راه، آجیل روزه دارد
از دست این گرانی، زنبیل، روزه دارد

سال جدید دارد عطر خوش سحر را
دیدم که سال، بعد از، تحویل روزه دارد

فکری به حال خود کن یک عقل مال خود کن
جایی نرو سر ظهر ، فامیل روزه دارد

بی عذر و بی بهانه، خوابیده‌ای به خانه
روی زمین ،کشاورز، با بیل روزه دارد

شیطان درون بند و ملت خداپسند است
چربش نمی‌شود کرد، سیبیل روزه دارد

تعطیلی مدارس، ترفند گازداری است
تدریس رفته در خواب، تحصیل روزه دارد

چون بچه‌های آدم ، این شد حکایت ما
قابیل فکر خویش است هابیل روزه دارد

افطارچپانی

امین شفیعی
شاعر

مژده بده مژده که آمد بهار
موسم بلعیدن و نوشیدن است

البته چون ماه صیام آمده
موسم افطاری مرد افکن است

ریختن دیس پلو در شکم
آش که بر آن وجبی روغن است

بعد هجوم همه سوی هلیم
این که شکم نیست دگر! مخزن است

در غل و زنجیر تعجب کنان
خیره به این فاجعه اهریمن است!

بار گرانی‌ست روی اشکمت!
وضعیتش چون زن آبستن است

گر کمی از بار شکم کم کنی
روزه برای بدنت واکسن است

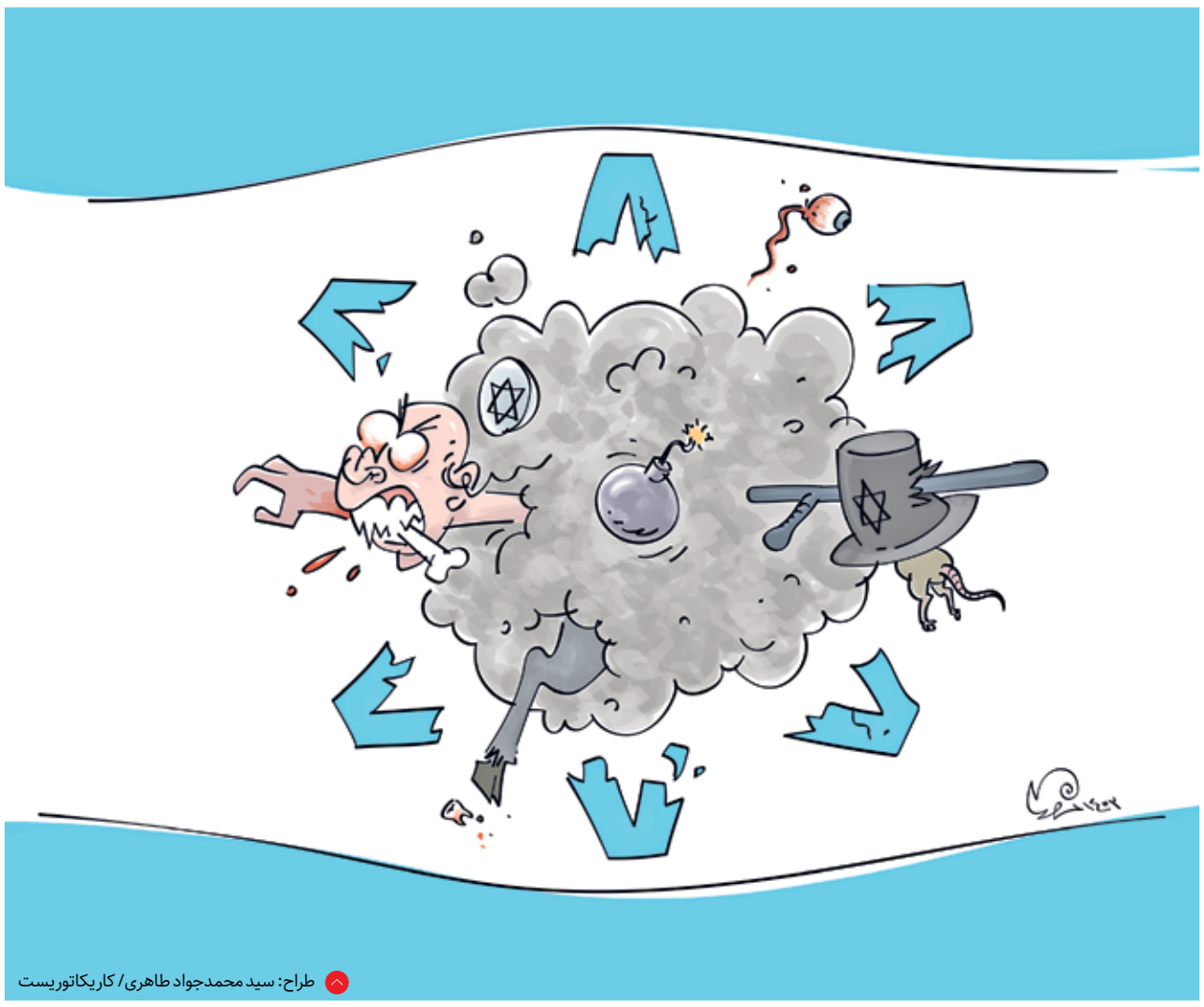

طراح: سید محمدجواد طاهری/ کاریکاتوریست

انباشت زباله در فرانسه به علت اعتصابات و اعتراضات

دیالوگ‌های حدسی!

دختر: با عینک بهتر میفتم یا بی عینک
عکاس : مهم نیست زباله‌ها انقدر زیادن که تو حاشیه‌ای، زیاد معلوم نیستی
اونوری: اووی بچه‌های کوچه پایینی پاشید برید با زباله‌های محله خودتون عکس بگیرید، اینا واس ماست

عباس داوری

دختر: اونجایی که نوشته لعنت بر پدر و مادر کسی که اینجا آشغال بریزد، نیفته تو عکس‌ها
عکاس: باشه حواسم هست!

رامین زارعی

عکاس: اگه بوی زباله‌ها خفه‌ت نمی‌کنه همینطوری وایسا ده تا دیگه بگیرم. واووو کنتراست عینکت با کیسه زباله‌ها محشره
دختر: نمی‌دونستم یه روزی مکرون کاری می‌کنه سوژه عکاسی آشغالا بشم. بگیر لعنتی تمومش کن دیگه

سمیه قربانی

مرگ پایان شغال نیست، قبلش زندان است

محمدرضا رضایی
طنزپرداز

گزارشگر: هـای پیپـل عزیـز (Hi dear people) امریـکا؛ امـروز به میان شـما اومدیـم تا نظرتون رو درمورد محکومیت ترامـپ در دادگاه نیویـورک بدونیم؛ با ما همراه باشـید.

یـک مجـرم خطرنـاک آزاد در سـطح جامعـه: آقا من می‌خواسـتم همین فردا بـرم خودم رو بـه پلیس معرفی کنم؛ ولی اگـه بخـوان ترامـپ رو هم بیـارن زندان کنـار مـا مجرم‌هـای بی‌دفـاع، مـن هـم قیـد تسـلیم شـدن رو می‌زنـم؛ تحمـل ایـن یکـی رو نـدارم دیگـه؛ ما تـو زندان امنیـت لازم داریـم.

یک روانی امریکایی اسـلحه به دسـت: به‌بـه! داداشـمون ترامـپ اسـطوره ماسـت خدایی؛ می‌دونی اگـه اونطوری از خریـد و فـروش اسـلحه تـو امریـکا حمایـت نمی‌کرد و زبونـم لال این قانون لغـو می‌شـد، مـا هفت‌تیرکش‌هـا بـه چـه روزی می‌افتادیـم؟ والا تفریـح مـا هـم همیـن چهارتـا بچـه مدرسـه‌ایه که می‌کشـیم دیگـه. ترامـپ اگـه آوردنـت گوانتانامـو، خـودم هـوات رو دارم (بـا نعـره بلند بـه مدرسـه آن‌طـرف خیابان حملـه می‌کنـد).

یـک سیاهپوسـت: آقـا ایـن آه مـا سیاهپوست‌هاسـت که دامنشو گرفته. امیـدوارم ذلیـل بمیـره؛ ای الهـی کـه به درک واصـل بشـی؛ خدا کنه بـا صندلی الکتریکـی فشـار قـوی اعدامـش کنن؛ اصلاً باید... آخ... (یک پلیس امریکایی از پشـت او را بـا تیـر می‌زنـد).

بایـدن: کیـو گرفتـن؟ ترامـپ؟ ترامـپ کیـه؟ بلندتر بگـو نمی‌شـنوم؛ برای چی گرفتـن؟ از قـوم و خویش‌هاتـه؟ حـالا عیبـی نـداره من تـو دولـت آشـنا دارم، می‌سـپارم بـرات آزادش کنـن؛ مـن فکر کنـم یه پسـت دولتـی‌ای چیزی داشـته باشـم، حـالا دقیـق یـادم نمیـاد. گفتی اسـم زندانیت چـی بود؟ خـب اینطوری یـادم نمی‌مونـه، اسـمش رو روی کاغـذ بنویـس بـده بـه ایـن آقـا گولاخـه کـه همـه‌اش بـا منـه؛ راسـتی تـو نمی‌دونی ایـن گولاخـه چـرا همـه‌اش بـا منـه؟ دو دقیقـه نمـی‌ذاره بـا خـودم خلـوت کنم ببینم کیم؟ کجـام؟ (بویی نامطبوع فضا را پـر می‌کنـد).

یـک بی‌گنـاه امریکایـی: آقا یعنـی این بابـا اون همه کثافت‌کاری داشـته، حالا فقـط بـه جـرم حق‌السـکوت دادنـش می‌خـوان محکومـش کنـن؟ بعـد مـن فقـط یه تف انداختم جلوی اداره پلیس، الان چهـار ماهه با دسـتبند و پابند آواره راهروهـای دادگاهم. لااقل سـیمای این شـوکر رو ازم باز کنید، بـاور کنید جریان برقـش بـرام عادی شـده، دیگـه تأثیری روم نـداره (مأمـور پلیـس درجـه شـوکر برقـی را افزایـش می‌دهد تـا جریان برق دوبـاره روی متهـم تأثیـر بگذارد).

یک برانـداز: اینا همـه‌اش کار جمهوری اسـلامیه. می‌خـواد بیـن امریکایی‌هـا تفرقه بندازه. ما باید با هم متحد باشـیم و اسـیر این صحنه‌آرایی خطرناک نشیم. ترامـپ رو ول کنید تا همه با هم سـقوط رژیـم رو جشـن بگیریـم. درضمـن طبق قانـون اساسـی اگـه بازداشـت ترامـپ از ۲۱ روز بگـذره، ارتـش بایـد ورود کنـه؛ دیگه خـود دانید.

یـک صـادق زیبـاکلام: اینـا همـه‌اش شایعه و پروپاگاندا است. ترامپ محکوم نشـده، بلکـه فقـط دادگاه او را بی‌گنـاه ندانسـته. این دو با هم فرق دارند. اصلاً کـی گفت بـری از مردم ناسـپاس امریکا مصاحبـه بگیـری؟ اینـا همشـون بـا ما بـدن (زانـو به بغل گرفته و به یک گوشـه خیره می‌شـود).